

فصلنامه علمی فرهنگی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)
سال دوم / شماره چهارم / زمستان ۹۷

حورا

• زنان در فرمایشون مسیحیت

• انقلاب کبیر زنانه

• پاشای یک جنبش

• و اندر وومن های ایرانی

• خیابان پتر گراد

• گیوتون فمنیسم در دانشگاه الزهرا

بسم تعالی



فصل نامه علمی_فرهنگی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء (س)

سال دوم/شماره چهارم/زمستان ۹۷

صاحب امتیاز:

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء (س)

مدیر مسئول:

مرضیه انبری

سر دبیر:

فاطمه فاضلی نیک

استاد مشاور:

دکتر الهام شریعتی

هیئت تحریریه:

فاطمه شاملو ، فاطمه شیخ محبوبی ، فاطمه علیزادنیسا ،

بهار سعیدی ، زینب رستگار پناه ، مرضیه انبری

ویراستار:

فاطمه پیران

طراح و صفحه آرا:

بهار سعیدی

نشانی:

تهران ، ونک ، دانشگاه الزهراء (س) ، دفتر انجمن اسلامی دانشجویان

تلفن:

۰۲۱۸۸۰۴۸۰۲۶

۰۹۳۹۶۲۹۳۱۳۸

کانال تلگرام نشریه:

havvamag@

پست الکترونیکی:

havvamag96@gmail.com

با تشکر از دکتر بهروز حدادی و سرکار خانم وزیری که ما را

در انتشار این شماره از نشریه یاری کردند .

منتظر انتقادات و پیشنهادات شما هستیم

فهرست مطالب

سخن سردبیر/۴

-• زنان در رفرماسیون مسیحیت/۵
-• بانوی مکتب اعتراض/۷
-• انقلاب کبیر زنانه/۸
-• پاشای یک جنبش/۱۰
-• حریف های همیشه در صحنه/۱۳
-• حضور مشروط در مشروطه/۱۵
-• و اندر وومن های ایرانی/۲۰
-• خیابان پتروگراد/۲۲
-• ارمغان دو انقلاب برای زنان ایرانی / ۲۴
-• معرفی کتاب/۲۷
-• گیوتون فمنیسم در دانشگاه الزهرا (س) / ۲۸



**اگر زن ها به این انقلاب باور نداشتند و آن را نمی پذیرفتند، قطعا
انقلاب اسلامی واقع نمی شد. "آیت الله خامنه ای"**

انقلاب چادرها ترکیب کلمه‌ی متفاوتی هست که در عصر انقلاب اسلامی از سوی رسانه‌های مختلف به واسطه حضور پر شور زنان و سهم اساسی آنان در ایجاد انقلاب اسلامی به رهبری مرجعیت شیعه امام خمینی ره، اطلاق یافت؛ و همین مسئله سنگ بنایی است در اینکه مسئولین چادر به سرِ امروزمان نیز در عین حفظ زنانگی، حافظ انقلاب دیروزمان برای فردای فرزندانمان باشند و به بیان امام «ره» انقلابی که به انفجار نور تعبیر میشود را پشتیبان و نگهدار باشند.

آنچه که باعث میشود حرکت‌های بزرگ اجتماعی را انقلاب بنامیم و نه جنبش و یا حتی کودتا، حضور پرشور اقشار مختلف یک اجتماع است و این حضور جز به واسطه حضور زنان تکمیل شدنی نبود و انقلاب اسلامی ایران به زنان نقش جدید، اساسی، پویا بخشید و تبدیل به الگویی برای دیگر جوامع و سیستم‌های مختلف سیاسی شد.

در صدر اسلام نیز حرکت‌های عظیمی به واسطه شخصیت‌های برجسته‌ای چون حضرت زهرا س و حضرت زینب اتفاق افتاده است و برگ‌های مهم تاریخی زیادی به دست آنان رقم خورده است؛ ایام فاطمیه جلوه‌گر نقش حضرت زهرا در تحولات مهم اجتماعی زمانه خویش است که به یقین آثار آن تا به زمان حال جاری و ساری است و بشیریت رابه خود مدیون می‌سازد و حال انتخاب دست زنان جامعه‌ی ماست که آیا می‌خواهند زهرایی شوند و برای همیشه در تاریخ ماندگار؛ یا علینژادهایی باشند که تاریخ را به خلاف جریان رشد و تعالی آن رهنمون سازند!

این شماره از نشریه به زنان و انقلاب‌ها می‌پردازد و امید است بتوانیم به اندازه‌ی وسع و توان کوچک خویش در نشان دادن نقش زنان در تحولات مهم اجتماعی و تاریخی موفق بوده باشیم.

این شماره از حوای عزیزمان! را که به تازگی ۱ سالگی را پشت سر می‌گذارند، تقدیم می‌کنیم به پیشگاه بانو حضرت فاطمه «س» که پیش قراول حرکت انقلابی شیعه ایشان بودند و به یمن حضور و ظهور ایشان بود که علی‌ها در تاریخ حماسه ساز و ماندگار شدند.

سخن سر دایر

فاطمه فاضلی نیک

پر واضح است که زنان حوای عالم خلقت بخشی از هر جامعه و کشور را تشکیل می‌دهند و رکن رکین هر سیستمی تلقی می‌شوند؛ و همین مسئله حضور آنان را به تحولات مهم و بزرگ جهانی پیوند زده است و بیراه نخواهد بود که بگوییم، پازل حرکت‌های مهم جهانی نظیر جنگ‌ها و انقلاب‌ها با زنان و مردان، هر دو با هم تکمیل می‌شود و تاریخ بزرگ بشیریت بر این مدعا صحه می‌گذارد، البته که میزان نقش زنان با توجه به موقعیت اجتماعی‌ای که در هر دوره‌ای داشتند با شدت و ضعف همراه بوده است.

دیدگاه غالب متفکران اسلامی و حتی غیر اسلامی نسبت ب این مسئله مثبت بوده است چنانکه امام خمینی ره در جایی اشاره می‌کنند به آنکه: «زن باید در مقدرات اسلامی مملکت دخالت کند. شما همان گونه که در نهضت‌ها نقش اساسی داشته‌اید و سهیم بوده‌اید، هم اکنون هم باز باید در پیروزی سهیم باشید و فراموش نکنید که هر موقع اقتضا کند، نهضت کنید و قیام کنید»

بر همین اساس سهم زنان در پیروزی‌ها و انقلاب‌ها انکار ناپذیر است و این دو کلید واژه زنان و انقلاب به هم گره خورده‌اند و حتی زن سستیزترین افراد به این مسئله معترف هستند!

کارل مارکس نیز عقیده داشت که انقلاب‌های بزرگ اجتماعی بدون حضور فعال زنان غیرممکن است.

انقلاب اسلامی ایران نمونه واضح و مبرهنی هست که نمودار نقش زنان در شکل‌گیری و پیشبرد اهداف انقلاب هاست؛



سخن مهمان: زنان در فرمایشون مسیحیت

◀ دکتر بهروز حدادی

خود، یک حرکت اصلاح طلبانه تمام عیار با هدف برقراری عدالت اجتماعی و ستم‌ستیزی نبود ولی هر چه بود، بر این ساحتها نیز رفته‌رفته تاثیر گذاشت.

واقعیت این است که زنان در شکل‌گیری و توسعه مسیحیت از زمان عیسی مسیح به بعد نقش مهمی داشتند. عیسی مسیح به شهادت کتاب مقدس، با زنان بسیار به مهربانی و لطافت و احترام رفتار کرد تا جایی که بزرگان یهود که روش و منشی زن‌ستیز داشتند، با سیره و سخنان آن حضرت در مواجهه با زنان از سر مخالفت و نارضایتی شدید وارد شدند. در سده‌های اولیه مسیحیت نیز زنان نقش پررنگی در ترویج مسیحیت و رونق دادن به کلیسا با قبول همه خطرات داشتند و شواهد زیادی از این خودگذشتگی و فداکاری در تاریخ زیر عنوان زنان شهیده در دست است و برای مثال تبری نجستن از عیسی مسیح، نزد حیوانات درنده گرسنه انداخته شد. این مقطع تاریخی، شباهت بسیاری با صدر اسلام دارد که پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز بسیار به مهربانی و مهربان و مروت و انصاف با زنان و دختران معروف شد و زنان نیز در حمایت از اسلام و پیامبر گرامی آن سنگ تمام گذاشتند و در این میان باید از چهره‌های درخشانی چون خدیجه کبری، فاطمه زهراء و زینب کبری (که صلوات و سلام خداوند بر همه آنان باد)، یاد کرد و نیز اولین شهیده اسلام، سمیه.

می‌توان از پرپتوای شهید، که مادر کودک خردسالی بود، نام برد که به دلیل با این حال موضوعی که جای شگفتی دارد، آن است که در دوره‌های بعد، این نوع نگاه و مرام، جای خود را به نگاه و نگرشی زن‌ستیز داد. با

درباره نقش زنان در نهضت اصلاح دینی، مدیر مسوول محترم نشریه حوا از من درخواست مکتوبی کردند و این، شاید به دو دلیل روشن باشد، نخست آنکه گفته‌اند و شنیده‌ایم که هر جا اتفاق مهمی می‌افتد، پای یک زن و مادر در میان است و دوم اینکه راقم این سطور سالهاست به نوشته‌هایی در باب نهضت اصلاح دینی با ترجمه کتابها و مقالاتی [۱] شناخته شده‌ام.

برای توضیح بیشتر، نهضت اصلاح دینی یا فرمایشون در قرن شانزدهم میلادی، حرکت و جنبشی دینی بود که به دنبال اصلاح کلیسا و زدودن کجیها و ناراستیها در حوزه اندیشه و عمل و شعایر مسیحیت کاتولیک بود و رهبری آن را مردی با ویژگیهایی کارزماتیک به نام مارتین لوتر به عهده گرفت. او که در ابتدا اصلاً به انقلاب و جنبش فکر هم نمی‌کرد و صرفاً در اندیشه ایجاد اصلاحاتی بود که تصور می‌کرد کلیسا و پاپ آن را خواهد پذیرفت، به ناگاه خود را در متن و صف اول یک نهضت دینی بزرگ دید. به هر حال، نهضت اصلاح دینی قرن شانزدهم، پیامدهای زیادی بر حوزه دین، سیاست، اجتماع، خانواده، اقتصاد و غیره گذاشت و امروزه نیز جغرافیای سیاسی اروپا، یادگار تحولات آن روزگار یعنی ۵۰۰ سال قبل است و تکه تکه شدن کلیسای کاتولیک و به وجود آمدن کلیساهای پروتستان در سراسر جهان از نتایج آن است.

اما این که زنان چه نقشی در این تحول مهم داشتند، واقعیت این است این حرکت و جنبش، در اصل حرکتی در حوزه نظر و الهیات بود و می‌خواست زمینه‌های سوء استفاده از پاره‌ای آموزه‌ها در باب نجات در آن جهان را ببندد که فروش آرزوهای مصداق زنده‌ای از آن بود. این جنبش لزوماً و در اهداف

او صومعه‌های زنانه را یکی یکی بست و کوشید تا راهبه‌ها به میان خانواده بازگشته و تشکیل زندگی دهند و خود نیز با یکی از آنان به نام کاترین فون بورا ازدواج کرد. در تاریخ نکات جالبی در مورد کارکرد فون بورا در دوران زندگی مشترک با لوتر و این که ضمن احترام به لوتر، بسیاری از خلاقیتها و تواناییهای فکری و عملی اش را به رخ او می‌کشید و چندان در این حوزه، لوتر را اهل رای و نظر صائب نمی‌دانست و او را دنباله رو خودش کرده بود و چه قدر لوتر نیز ناچار به کرنش در برابر شخصیت و هنر آفرینی و ابتکارات او بود و البته هیچ یک مانع نمیشد که هر از چندی، فن بورا پذیرای ترکشهایی از تفکر قرون وسطایی لوتر در خصوص زنان باشد! [۳]

با این حال، تفکر پروتستانی زمینه را برای بعضی تحولات آماده کرد که مهمترین آنها شکستن آتوریته دینی و سیاسی و علمی کلیسای کاتولیکی بود که خود زمینه ساز تحولات فکری و اجتماعی بعدی شد. تاکید بر اهمیت شخص و فرد و مراجعه مستقیم به مقام الهی، نیز زمینه را برای فعالیتهای اجتماعی و سیاسی و فکری زنان به عنوان یک فرد فراهم ساخت و لذا اگر چه چندان به عملکرد ایجابی نهضت اصلاح دینی و رهبرانی چون لوتر نباید چشم امید داشت ولی مهم اینجاست که آنان خواسته یا ناخواسته در حذف موانع و برداشتن بعضی از دیوارها نقش مهمی داشتند. واپسین سخن در این مقال، یادى است از رشادتها و جانفشانیهای زنان آزاده‌ای که در شکل‌گیری انقلاب و دفاع از کشور از جان خود مایه گذاشتند و در مواقعی در صفی جلوتر از مردان، سپر بالای آنان بودند که نام شش هزار تن از آنان در آسمان افتخار آفرینهایی مردم ایرانی می درخشد. والسلام

۲۲ بهمن ۱۳۹۷

بهروز حدادی

[۱] از جمله نگاه کنید به کتاب مقدمه‌ای بر تفکر نهضت اصلاح دینی و کتاب در سنامه الهیات مسیحی، و مقالات: دین و دولت در اندیشه مارتین لوتر و دین و دولت در اندیشه ژان کالون و جهان اسلام و آیین پروتستان و غیره.

[۲] به این مطلب در مقاله عرفان و آزادی، نقش تفکر عرفان زنان راهبه در قرون وسطی در شکل‌گیری جنبشهای جدید پرداخته ایم که به زودی منتشر می‌شود.

[۳] برای توضیحات بیشتر نگاه کنید به کتاب مارتین لوتر نوشته هری امرسون فازدیک ترجمه فریدون بدره‌ای، انتشارات علمی فرهنگی و کتاب تاریخ تمدن ویل دورانت قسمت اصلاحات دینی.

تثبیت مسیحیت در سده چهارم میلادی، رفته رفته زنان از متن به حاشیه رانده شدند. در قرون وسطی، هم نوع نگاه کلیسای کاتولیک و هم فرهنگ عمومی، زن‌ستیز بود. تنها فرصتی که زنان در این مدت یافتند و از آن خوب بهره بردند، حضور در صومعه‌های زنانه بود که زنانی با همت عالی و صاحب فکر و اندیشه، برای فرار از مناسبات اجتماعی و فرهنگی، قید زندگی مشترک را زده و عازم و راهی دیرها و صومعه‌هایی شدند که در آنجا احساس استقلال و قدرت رهبری می‌کردند [۲] و با آنکه این صومعه‌ها در قلمرو و تحت فرمان کلیسای کاتولیک بود، زنان در آنجا مجال خوبی برای زنانه فکر کردن و اندیشیدن در همان تفکر دینی یافتند که حاصل آن، تربیت زنان فرهیخته و توانمندی بودند که هم صاحب اندیشه‌های دینی خاصی بودند که متفاوت از نگرش دینی کلیسای کاتولیک بود و هم نفوذ اجتماعی چندان عمیقی یافتند که حتی بر تعیین امپراتوران و پادشاهان نیز دخیل و تاثیرگذار بودند و همین موجب رشک و حسد بسیاری علیه آنان شد که برای سد کردن آن، اتهاماتی چون ساحره بودن و جادوگری و ارتباطات ویژه با شیاطین و اجنه، و سرانجام سوزاندن آنان تنها راه حل بود که نمونه آن ژاندارک بود که به دنبال فروپاشی ارتش فرانسه، متجاوزان انگلیسی را از فرانسه فراری داد اما با خیانت عده‌ای به جرم جادوگری سوزانده شد ولی بعدها تبرئه و به مقام قدیسی در کلیسای کاتولیک دست یافت. در میان خیل زنان دانشمند و متفکر این دوره، چهار زن به خصوص به چهار دلیل مستقل و چهار نگرش اختصاصی شهرت یافته‌اند که اسامی آنان به این شرح است:

هیلدگارد بنگینی، کاترین سیه نایی، قدیسه ترزا آویلابی و ژولیان نوروچی که دو تن از آنان، در همان قرون وسطی، مفتخر به مقام بسیار مهم دکتر کلیسا شدند که شبیه مقام اجتهاد مطلق و مسلم در سنت دینی ماست. جالب این که این عنوان به افراد بسیار نادری در کلیسا داده شد که توماس آکویناس از جمله آنان است، همو که جایگاه علمی و دینی اش، چون ابن سینا نزد ماست. اما در نهضت اصلاحات دینی به رهبری لوتر، زنان مساله اصلی نبودند و لذا نباید انتظار خاصی از این جنبش در موضوع زن داشت، همچنانکه نباید تصور کرد که رهبران آن، چهره‌هایی یکسره خوش فکر و اصلاح طلب بودند.

اقدام بسویار مهمی که لوتر انجام داد، این بود که با پدیده رهبانیت و صومعه‌نشینی که به انحراف نیز کشیده شده بود و کارکردهای مثبت‌اش روز به روز کمتر می‌شد، به شکلی سلبی برخورد کرد و تنها عامل نجات را ایمان به مسیح و نه دور شدن از کانون خانواده و روی آوردن به صومعه‌ها و رهبانیت دانست.





است که در این خطبه بخش کوچکی از صحبت های حضرت به این موضوع اختصاص دارد و بخش عمده ی خطبه به مسئله ی اتصال مادیت و معنویت و صحبت درباره ی نبوت، امامت، عدل و معاد است در این سخنرانی که زنان مدینه، دخت پیامبر (ص) را همراهی می کردند ایشان پس صحبت از تسلط معنویت و دین بر زندگی دنیایی ما از امور شخصی گرفته تا سیاست و جامعه، مثلاً لا اله الا الله که شعار استکبار و استعمار ستیزی اسلام است، برای ادامه ی صحبت خود از شیوه ی جدل استفاده کرده و سوابق مهاجرین و انصار را در مبارزه برای استقرار اسلام به آن ها یاد آوری می کنند و از سکوت آن ها در برابر رویه ی غلط واگذاری حکومت گلایه می کنند.

در واقع نخستین فریاد عدالت طلبانه ی شیعه توسط همسر امیر المومنین (ع) نواخته شد که بجز حضرت امیر و ۴ تن از صحابه ی پیامبر کسی جز گروه زنان مدینه وی را همراهی نمی کرد. در صورت بدوی مبارزه شیعه که مربوط به روزگار پس از رحلت پیامبر است همه ی امور حضرت زهرا رنگ و بوی سیاست به خود می گیرد از گریه های دائمی ایشان که مانع از فراموشی مصیبت زمین ماندن وصیت پیامبر (ص) می شد تا وصیت سیاسی ایشان برای تدفین مخفیانه که مانع از اجرای رسم مرده پرستی شد. حضرت عمر ۱۸ ساله ی خود را در حالی به پایان رساند که از رضایت خواص و سکوت عوام برای ظلم به امام معصوم راضی نبود و درخواست ایشان برای تدفین شبانه امکان سوء استفاده از مراسم تشییع ایشان را که می توانست مانور سیاسی خواص و مرده پرستی عوام را به ارمان بیاورد غیر ممکن می ساخت. هر چند تمام تلاش ایشان برای استقرار حاکم اصلاح به نتیجه ی مطلوب نرسید اما هدف رفع تکلیف را روشن ساخت به همین سبب است که ایشان را انسان کامل عصر خویش و به عنوان اولین انقلابی شیعه می شناسیم و معرفی خواهیم کرد.

بانوی مکتب اعتراض ◀ مرضیه انبری

رفتار های حضرت زهرا (س) مبتنی بر ارزش بود و دارای وزن سیاسی چرا که هدف غایی آن اصلاح در امر حکومت که قانون تعریف می شد. در کتب موثق شیعه خبر از این آمده که در روزهای پس از رحلت پیامبر هیچ یگ از انصار و مهاجرین باقی نمانده بود که حضرت زهرا (س) در حالی که دو کودک خود حسنین (ع) را همراه داشت، به منزل آن ها برای یاد آوری واقعه ی غدیر و خلافت امیرالمومنین مراجعه نکرده باشد، این حرکت ایشان اولین نمود از ایجاد مکتب اعتراض و قیام برای عدالت در بین شیعیان بود و تسری دادن اصول و فروع دین یعنی عدالت و امر به معروف و نهی از منکر از حوزه ی خصوصی به حوزه ی عمومی دین که خطبه ی فدکیه ی ایشان ناظر بر این معناست. هر چند که فدک از نظر اقتصادی سرمایه ی هنگفتی بود و چنانچه این زمین در ید هر حاکمی قرار می گرفت می توانست جزء پشتوانه های اقتصادی حکومت تعریف شود اما نگاه حضرت به این مسئله صرفاً با فشاری برای بازپس گیری ارثیه ی خود نبود بلکه هدف نهایی از ستیز با خلیفه ی منتخب اعتراض مضاعف به انتخاب ناحق وی و سیاستگذاری غلط و ناعادلانه ی او بود و این شخصیت کسی را می رساند که کلام او این چنین است الجار ثم الدار

خطبه ی فدکیه که پس از ناامیدی برای اخذ بیعت از مردم، در مسجد و در جمع صحابه ایراد شد چند فراز اصلی دارد که توضیح کامل آن در این مطلب مختصر ممکن نیست. پیش تر به مسئله ی فدک اشاره کردیم شایان ذکر



بعدها مردان انقلابی سوار بر شانه‌های زنان، انقلاب را به پیش بردند و همراهی زنان را به فراموشی سپردند اما همین حضور زنان در جریان انقلاب سرآغازی برای جنبش احقاق حقوق زنان در جوامع اروپایی شد.

در این میان نظرات روس و درباره زنان بر تفکر انقلابیون تاثیر بسیار داشت؛ با توجه به اینکه پایه‌های استقلال مالی و اجتماعی زنان در حال شکل‌گیری بود اما مردان انقلابی معتقد به حضور زنان در عرصه خصوصی و به ویژه خانواده بودند.

آنان معتقد به آموزش و تربیت زنان بودند اما بر نقش مادری زن در خانواده بیش از زن به مثابه‌ی یک فعال سیاسی و اجتماعی تاکید داشتند.

بنابراین از سال ۱۷۸۹ میلادی که شاهد حضور فعال زنان در انقلاب فرانسه هستیم تا ۱۹۴۴ میلادی یعنی بازه‌ای ۱۵۰ ساله زنان با هم از حق رای محروم بودند.

حضور زنان در انقلاب فرانسه را می‌توان از سال ۱۷۸۸ میلادی آنجایی که المپ دو گوژ بر علیه برده‌داری فریاد سر میداد رصد کرد و کمی بعد از آن شاهد حضور شش تاهفت هزار زن در راهپیمایی ورسای هستیم -

انقلاب کبیر زانانه

◀ زینب رستگار پناه

اواسط قرن چهارده میلادی بود که زنان پیکر نحیف اما دلبرانه‌ی خود را از لابه‌لای اشعار و متون ادبی فاخر بیرون کشیدند و با ظهور رنسانس پایه‌های عرصه‌ی اجتماعی گذاشتند؛ با شروع انقلاب صنعتی و به حاشیه رفتن قدرت بدنی مردان به عنوان امتیازی برای نیروی کار، زنان به مرور وارد عرصه‌ی صنعت و اشتغال شدند. سه قرن حضور اجتماعی زنان در بستری رخ داد که زنان اقلیتی محسوب میشدند با بهترین بازدهی برای جوامع صنعتی و کمترین حقوق شهروندی، هر چند در این میان زنان طبقه مرفه و متوسط از وضعیت بهتری نسبت به طبقات پایین اجتماع برخوردار بودند اما شرایط موجود جرعه‌های اولیه‌ی اعتراض زنان را در پی داشت که در اواخر قرن هجدهم میلادی شعله ور شد.

اندیشه‌ی بنیادی انقلاب کبیر فرانسه بر این اصل استوار بود که کلیه‌ی افراد فارغ از رنگ، عقیده و جنس با هم برابرند و همین اندیشه زنان را در دادخواهی برای حقوقشان وارد جریان انقلاب کبیر فرانسه کرد؛ هر چند

می بردند، فریاد می زد: «ای جلادان آیا این حاصل انقلابی است که قرار بود افتخار و سربلندی فرانسه باشد!»

از دیگر فعالیت های زنان این دوره می توان به فعالیت شهروندان زن جمهوری خواه انقلابی اشاره کرد. باشگاه این دسته از زنان در ۱۰ می ۱۷۹۳ تشکیل شد و در آن زمانی از میان بورژوازی ها و محیط های مردمی گرد آمدند. کلر لاکمب و پولین لئون به ترتیب ریاست این باشگاه را به عهده داشتند. آنان سوگند یاد کرده بودند که در راه جمهوری زنده بمانند و یاد راه آن بمیرند. این گروه گرچه از حق رای محروم و از رایزنی در مجلس های برگزیده کنار گذاشته شده بودند اما از نیروهای مهم جنبش انقلابی بودند هر چند این حضور دیری نپایید و با انتشار کاریکاتور بافتنی باف این زنان از موقعیت گواهان مجلس هم کنار گذاشته شدند.

زنان در همراهی مردان در انقلاب کبیر فرانسسه کوتاهی نکردند اما همانطور که مادام دو استال می گوید: «در نظام پادشاهی زنان باید از مسخرگی بهراسند و در نظام های جمهوری از بیزاری» و این داستان پس از انقلاب بیشتر نمایان شد.



از دیگر فعالیت های زنان این دوره می توان به فعالیت شهروندان زن جمهوری خواه انقلابی اشاره کرد. باشگاه این دسته از زنان در ۱۰ می ۱۷۹۳ تشکیل شد و در آن زمانی از میان بورژوازی ها و محیط های مردمی گرد آمدند. کلر لاکمب و پولین لئون به ترتیب ریاست این باشگاه را به عهده داشتند. آنان سوگند یاد کرده بودند که در راه جمهوری زنده بمانند و یاد راه آن بمیرند. این گروه گرچه از حق رای محروم و از رایزنی در مجلس های برگزیده کنار گذاشته شده بودند اما از نیروهای مهم جنبش انقلابی بودند هر چند این حضور دیری نپایید و با انتشار کاریکاتور بافتنی باف این زنان از موقعیت گواهان مجلس هم کنار گذاشته شدند.

انقلاب بستری را فراهم کرد که زنان از آن حداکثر بهره را بردند، طبق آمار دومینیک گودینو از سال ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۳ فقط در شهرستان ها حدود سی باشگاه زنان تشکیل شد. زنان در این باشگاه ها به تضارب آرا و نظراتشان می پرداختند و با بررسی مسایل اجتماعی حضوری بر جسته در خدمت رسانی اجتماعی به طبقه ی مستضعف داشتند.

جالب آن است که در این زمان حضور زنان در باشگاه های مطرح مردانه ی آن زمان یعنی ژاکوبن ها و کوردولیه ها ممنوع بود. در همین شرایط بود که المپ دو گوژ اعلامیه ی حقوق زن و شهروند زن را نگاشت.

پیش تر هم به انتشار بیش از دوازده جزوه درباره ی موضوعات مختلف پرداخته بود و در این میان در موافقت با مساله ی طلاق نیز موضعی مشخص داشت؛ وی کوشید تا ضرورت تدوین قانونی فراگیر برای جامعه ایی متشکل از زنان و مردان را تبیین کند.

بی مهری انقلابیون به زنان موجب شد تا دو گوژ لحنی تندتر در نوشته هایش اتخاذ کند که به مذاق مردان خوش نمی آمد و در نتیجه سوم نوامبر ۱۷۹۳ به حکم خیانت با گیتوین اعدام شد. وقتی او را برای اعدام



چون سفرهای اعلیٰ حضرت همایونی خرج و برج داشت و ایشان در کار خودشان مانده بودند چه برسد به هزینه سفر اندیشه ی انحصار تجارت توتون و تنباکو را نخستین بار محمدحسن خان اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات ناصرالدین شاه مطرح کرد. سه سال پس از وقایع فوق و در پی سفر سوم ناصرالدین شاه به اروپا در سال ۱۲۶۹ هـ ش که به تشویق وزیر مختار انگلیس در ایران، سرهنری درومند ولف انجام گرفته بود، دولت انگلیس فرصت مناسب را برای کسب امتیاز انحصار توتون و تنباکو به دست آورد. ناصرالدین شاه پس از مراجعت به ایران در فروردین ۱۲۶۸ قمری قرارداد را با تالبوت بدین صورت که امتیاز تجارت توتون و تنباکو به مدت ۵۰ سال به او واگذار گردد امضا کرد. این امتیاز که به امضای شاه و سرهنری ولف رسید، دارای پانزده فصل بود که حکایت از اختیارات تام تالبوت در امور دخانیات ایران و بی‌اعتنایی به منافع ملت ایران داشت. مطابق با این قرارداد، شرکت رژی متعهد می‌گردد که در ازای انحصار خرید و فروش توتون و تنباکوی ایران به مدت پنجاه سال، سالانه مبلغ ۱۵ هزار لیبره انگلیس به همراه یک چهارم سود خالص خود را به شاه بپردازد.

ه همین سبب نخستین اعتراض‌ها را تاجران دخانیات که از ضرر و زیان خود در آتیه آگاه بودند آغاز کردند که تجارتشان مستقیماً در معرض تهدید کمپانی رژی بود. در آغاز عده‌ای از بازرگانان به همراه امین‌الدوله نزد شاه رفتند و به انحصار تجارت تنباکو اعتراض کردند. همچنین در ماه مارس (اسفند / فروردین) ۱۸۹۱ م / ۱۲۶۹ ش ضمن دادخواستی خطاب به

پاشای یک جنبش

◀ فاطمه شیخ محبوی

سلسله پرنش قاجار در طول حیات خود دارای مشکلات عدیده‌ای بود که از میان آنها، مشکل استبداد و انحطاط اقتصادی از همه شاخص‌تر بود. قاجارها که از یک سو با نفوذ استعمار انگلیس و از سوی دیگر با شکست‌های ایرانیان از روسیه رو به رو شده بودند، پیوسته تحت تأثیر بیگانگان و امپراتوری آلمان قرار داشتند. در این بین رقابت سنتی انگلیس، روسیه و امپراتوری آلمان برای به دست آوردن امتیازات گوناگون در ایران به ویژه در دوران ناصرالدین شاه، به اوج خود رسید. مسافرت‌های شاه به خارج از کشور که اغلب به دلیل آشنایی وی با تجدد و شیوه‌های نوین حکومت‌داری صورت می‌گرفت، به دلیل فراهم نمودن هزینه‌های سفر، معمولاً با اعطای امتیازات بزرگی نیز به روس و انگلیس همراه بود.

دادن امتیازات گوناگون نظیر امتیاز بانک شاهنشاهی، بانک استقراضی، تلگراف هند و اروپا، کشتیرانی در کارون، تأسیس قزاق‌خانه، شیلات خزر، انحصار دخانیات و که عمدتاً به روس و انگلیس اعطا شده بود، کشور را تا مرز مستعمره شدن پیش بردند. لرد کرزون از این قراردادها به عنوان «اعطای سند مالکیت ایران و تسلیم کامل همه منابع یک دولت به خارجی‌ها» تعبیر می‌کند که مانند آن را کسی هرگز ندیده‌است.

در حکم محاربه با امام زمان علیه‌السلام است. حرره الاقل محمدحسن
الحسینی»

در این زمان نه تنها علما و تجار به امتیاز توتون و تنباکو اعتراض و طغیان
کردند بلکه زنان دربار که در راس آنها انیس الدوله که سوگلی ناصرالدین
شاه بود قرار داشت هم به اعتراض و جنبش پرداختند.

در اصل ۸۴ زن در حریم ناصرالدین‌شاه قاجار زندگی می‌کردند که قلیان
کشیدن یکی از کارهای روزانه آنها محسوب می‌شد. در میان این ۸۴ زن
«انیس الدوله» محبوب‌ترین آنها نزد شاه محسوب می‌شد. از آنجا که
ناصرالدین‌شاه به شدت انیس الدوله را دوست می‌داشت به نظرات و
تذکراتش توجه می‌کرد. یکی از وقایعی هم که انیس الدوله به شدت در آن بر
ناصرالدین‌شاه تاثیر داشت، ماجرای نهضت تحریم تنباکو بود.

پس از اعلام حکم میرزای شیرازی که مردم در کوچه و بازار قلیان‌ها را
شکستند و از استعمال توتون و تنباکو خودداری کردند، اهالی دربار شاه نیز
به این حکم مذهبی احترام گذاشتند و از آنجا که انیس الدوله که زنی
خیرخواه و نیک‌کردار بود و از سویی دینداری‌اش او را به تبعیت از مراجع و
علما وامی‌داشت، در کنار مردم مبارزه علیه این قرارداد را در پیش گرفت. به
دستور انیس الدوله زنان تمام قلیان‌ها را از حرم‌سرا جمع‌آوری کردند و
شکستند زیرا جایگاه او در نقش رئیس اندرونی شاه، همه را به تبعیت از او
وامی‌داشت.

وقتی ناصرالدین‌شاه متوجه می‌شود که انیس الدوله قلیان‌های حرم را
شکسته است، از او می‌پرسد: «خانم! چرا قلیان‌ها را از هم جدا و جمع
می‌کنند؟» انیس الدوله جواب می‌دهد: «برای آنکه قلیان حرام شده.»
ناصرالدین شاه متحیر شده و می‌گوید: «که حرام کرده؟» انیس الدوله با

ناصرالدین شاه اعلام کردند حاضرند مبلغی بیش از حق امتیاز بابت مالیات به
او بپردازند و او امتیاز را لغو کند، آنان در حرم شاه عبدالعظیم بست نشستند و
طی دادخواستی اعلام کردند به هیچ عنوان با رژی کنار نخواهند آمد. این
اعتراض موجب شد که دولت به انگیزه دلجویی از آنان مهلت شش‌ماه‌ای
برای فروش ذخایر توتون و تنباکوی تاجران قایل شود. با این حال مهلت فوق
نیز نمی‌توانست خسارات ناشی از واگذاری امتیاز را جبران سازد. در این بین
روس‌ها نیز که در منطقه ساوجبلاغ به کشت تنباکو اشتغال داشتند به امتیاز
فوق اعتراض کردند و آن را ناقض عهدنامه ترکمانچای خواندند و خواستار لغو
آن یا عقد قرارداد مشابهی شدند.

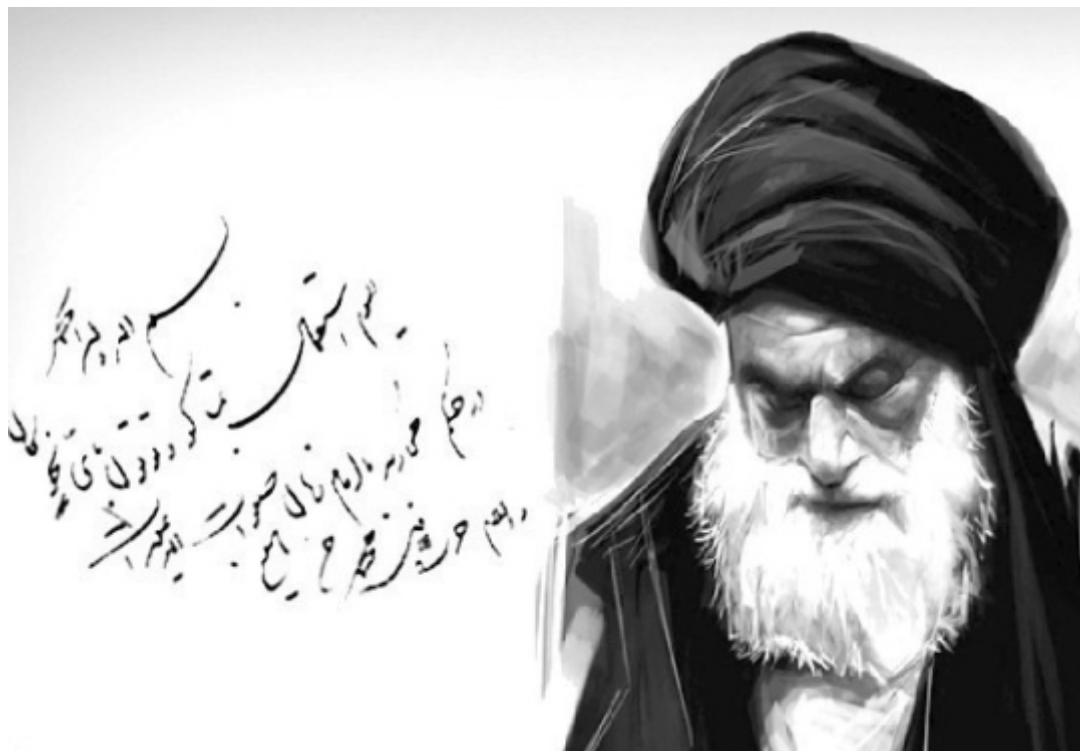
اما این قبیل اعتراض‌ها فقط مختص مردم و تاجران بود بلکه میرزای شیرازی
از همان ابتدا به واسطه نامه‌هایی که از علمای ایران دریافت از این امتیاز مطلع
شده بود. از این رو میرزای شیرازی، هم‌زمان با شروع ناآرامی در تبریز در اول
ذیحجه سال ۱۳۰۸ هـ.ق با ارسال تلگراف مفصلی به شاه، ضمن اشاره به
مضرات مداخله خارجی‌ها در ایران به اعطای امتیازات نیز توجه نمود و همه
آن‌ها را منافی صریح قرآن و استقلال ایران خواند. شاه به تلگراف میرزا پاسخ
نداد و برای توجیه اقدامات دولت و ذکر دلایل اعطای امتیاز و مشکلات ناشی
از لغو آن، میرزا محمود خان مشیرالوزاره کارپرداز ایران در بغداد را نزد میرزای
شیرازی در سامرا فرستاد. مشیرالوزاره ضمن اشاره به ضرورت قربت با دول
بزرگ اروپا برای استخلاص از روسیه تزاری، لزوم تقویت بودجه و قشون و رفع
نقائص و کم‌بودن مالیات‌ها، موهن بودن الغای قرارداد از نظر بی‌اعتبار شمرده
شدن امضای پادشاه و، صراحتاً از ناتوانی دولت در فسخ امتیاز و خسارات
هنگفت این اقدام سخن گفت.

با این حال میرزا در پاسخ تمام این دلایل، تنها بر این نکته تأکید کرد که فقط
باید به ملت مسلمان تکیه کرد و دولت اگر از عهده جواب بیرون نتوان آید

ملت از جواب حسابی عاجز نیست و
«اگر دولت از عهده بر نمی‌آید، من به
خواست خدا آن را برهم می‌زنم.»

در اواخر ربیع‌الثانی ۱۳۰۹ در تهران
شایع شد که حکمی از میرزای شیرازی
در باب تحریم استعمال دخانیات صادر
و به اصفهان مخابره شده است. در اوایل
جمادی‌الاولی با رسیدن محموله پستی
به تهران صورتی از حکم در میان مردم
منتشر شد با این توضیح که نسخه
اصلی آن را فقط میرزا حسن آشتیانی
مشاهده کرده است. متن حکم چنین
بود:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الیوم
استعمال تنباکو و توتون بای نحو کان



در واقعه ی توتون و تنباکو بازاریان تبریز ابتدا بازار را تعطیل کردند ولی از ترس مامورا شاه و فشاری که از سوی نظامیان به آن ها وارد میشد مجدداً بازار را بازگشایی کردند اما برای بار دوم زینب پاشا و زنان همراه او به صورت مسلح هزاران مرد بازاری که به معامله ی توتون و تنباکو مشغول بودند را مجبور کردند بازار را تعطیل کنند. تاریخ و خاصیت مردسالارانه ی آن که ناشی از فقدان تاریخ نگاران زن می باشد کمتر به زینب پاشا پرداخته اند ولی او به تبعیت از فتوای میرزای شیرازی در جنبش تحریم توتون و تنباکو در تبریز پاشایی این جنبش را می کرد.

فعالیت های او علیه اخلاص گران اقتصادی تا دوره ی مشروطیت ادامه داشت درباره ی پایان زندگی وی اطلاعات زیادی در دست نیست تنها ذکر شده که او در پایان عمر خود به کربلا مشرف شده بود و پس از آن از اقامت دائمی وی در عراق یا بازگشت او به ایران خبری در دست نیست آخرین وصف از او در گیر شدن با سربازان عثمانی مزاحم روی مرز و با خاک یکسان کردن قرارگاه آنان است! اما با این حال نام وی همواره به عنوان قهرمان ملی در حافظه ی تاریخ مردم تبریز محفوظ می باشد.



همان حال می گوید: «همان کس که مرا به تو حلال کرده است.» شاه هیچ نگفت و برگشت و برای آنکه مبادا به احترامش لطمه وارد شود، بعد از آن به هیچ یک از نوکران خود دستور نداد قلیان بیاورند و در تمام دربار قلیان ها را جمع کردند.

علاوه بر زنان دربارشاه، حضور زنان در جنبش مردم مشهد بر علیه انعقاد رژی به نشانه اعتراض در مسجد گوهرشاد تجمع کرده و خواستار لغو این قرارداد شده بودند. مشارکت زنان در نهضت تنباکو علاوه بر آن که باعث تشدید قدرت و تاثیر گذاری این حرکت شد، نوعی تجربه اولیه و اساس و پایه ای برای اقدامات بعدی زنان در جهت حضور در عرصه های سیاسی و اجتماعی به حساب می آید. در واقع قیام زنان در نهضت تنباکو آزمون بزرگ و تجربه سیاسی - اجتماعی خوشایندی برای توده مردم ایران به ویژه زنان بوده است. زنان در این نهضت در کنار مردان با تحریم توتون و تنباکو از سوی مرجعیت و روحانیت شیعه آن زمان آیت الله میرزای شیرازی هم رأی و هم گام شدند. در نهایت ناصرالدین شاه که ابتدا قصد مقاومت داشت، در مقابل جنبش مردمی عظیمی که به راه افتاده بود مجبور شد ابتدا امتیاز داخلی و سپس کل امتیاز را لغو کند. قرارداد رژی توسط ناصرالدین شاه پس از ۵۵ روز پایداری مردم و علما ملغی اعلام شد. همراهی انیس الدوله با مردم و علما و تلاش موفق او در کشاندن نهضت تنباکو به داخل حرمسرای شاه، نام وی را در میان زنان ناصرالدین شاه برجسته کرد.

انیس الدوله که اولین ملکه ایران بود که به اروپا سفر کرد، نسبت به شاه وفاداری حیرت انگیزی داشت. او پس از ترور ناصرالدین شاه تا زمان مرگ عزادار بود و زمانی که اتابک، حقوقش را به صورت یک بسته اسکناس برایش فرستاد، با مشاهده تصویر ناصرالدین شاه بر اسکناس ها غش کرد و پس از چند ساعت از دنیا رفت. این شرح مختصر از احوال انیس الدوله را مطرح نمودیم تا مشخص شود فتوای علمای شیعه تا پشت پرده های اندرونی نیز نفوذ داشته است.

اما علاوه بر زنان حرمسرای شاه لازم است به زنانی اشاره کنیم که در کف جامعه حضور داشته اند و در نخستین حرکت های ضد استعماری مردم ایران علیه دول اجنبی نقشی پررنگ تر از بسیاری از مردان ایفا کرده اند. از میان ایشان لازم است به زینب پاشا، قهرمان جنبش تنباکو، در تبریز اشاره کنیم. تبریز شهر هواره در تب و تاب و نقطه ی اتصال سه امپراطوری که همواره دروازه های به روی جدید ترین تحولات باز بود است.

زینب پاشا که از او با ناوین بی بی زینب و ائل قیزی نیز یاد کرده اند در تبریز حدوداً سه هزار زن یاران او را تشکیل می دادند فعالیت های وی علیه احتکار و گرانفروشی به دلایلی موفقیت آمیز بود. شاید یکی از آن غیرت مردانه بود که مانع هتک حرمت زینب پاشا و یاران او در هنگام حضور در بازار می شد.



حریف های همیشه در صحنه

◀ فاطمه شاملو

الجزایر به ۱۱۰۰۰ تن می رسیده است، البته آمار واقعی ممکن است خیلی بیشتر از این بوده باشد. زنان شرکت کننده در این جنگ دو دسته بودند، زنان تحصیل کرده و باسواد و روستایی که سواد کاملی در زمینه خواندن و نوشتن نداشتند و این دسته حدود ۸۰ درصد بقیه را تشکیل می دهند. زنان دسته دوم در همان مناطقی که سکونت داشتند برای جبهه آزادی بخش عملیات می کردند. علی رغم این واقعیت که زنان شرکت کننده در عملیات ها کمتر از ۷۰ درصد یعنی حدود ۲ درصد از کل زنان شرکت کننده در بخش نظامی جبهه آزادی بخش الجزایر بودند ولی این عملیات به ویژه مواردی که در سال ۱۹۵۷ در پایتخت صورت گرفت مورد توجه این بود که زنانی چون جمیله بوحرید و برخی زنان رزمنده دیگر نیز در بین این قبیل زنان که در فعالیت های عملیاتی علیه فرانسوی ها در پایتخت الجزایر شرکت می کردند و هنگامی که این زنان به ویژه جمیله بوحرید دستگیر شدند از حمایت بین المللی گسترده ای برخوردار بودند. دلیل دیگر این بود که تاثیر این فعالیت ها به خصوص این که بدست زنان صورت می گرفت بسیار حیاتی تر از تامین غذا و دارو برای جبهه آزادی بخش ملی بود. نکته قابل توجه در انقلاب الجزایر، استفاده زنان از حجاب بود. هر چند آنان با

در سراسر دنیا توده های رنج کشیده بزرگ ترین انقلاب های تاریخ را رقم زده اند، یکی از این انقلاب ها هم انقلاب دموکراتیک الجزایر بوده که در واقع زد و خورد هایی بین فرانسه و الجزایری های استقلال طلب تحت استعمار فرانسه است که سرانجام به استقلال الجزایر انجامید در واقع این انقلاب برای پیشگیری از چیزی یا تغییر رویه ی حکومت داخلی نبود بلکه برای رهایی از استعمار فرانسه انجام شد که منجر به سرنگونی جمهوری چهارم فرانسه و پایه ریزی جمهوری پنجم به ریاست شارل دوگل شد. در این انقلاب ابتدا فقط مردان حضور داشتند ولی در در ۱۹۵۵ لازم دیدند زنان را نیز در مبارزه وارد کنند به نحوی که بعد ها استعمارگران راه سلب مقاومت مردم را در پیروزی بر زنان می دیدند. طی سال های ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۲ زنان دارای مسئولیت های مختلفی در الجزایر بودند و اکثر زنان در جبهه آزادی بخش الجزایر فعالیت میکردند فعالیت زنان الجزایری در این واقعه مشابه فعالیت های چریکی زنان در انقلاب های آمریکای لاتین بود ایشان به خاطر لباس محلی الجزایر (چادر های سفید) راحت تر کار حمل اسلحه و .. را به صورت مخفیانه انجام می دادند. براساس آمار ثبت شده، تعداد زنان شرکت کننده در جنگ استقلال

زنانی از جنس آب، آتش و بعضا حریف هایی همیشه در صحنه... زنانی که مبارزه کردند و در این نبرد یا تحت وحشیانه ترین شکنجه های فرانسویان به شهادت رسیدند.

زنان الجزایر پس از آن نبرد دو الگو مقابل خود داشتند اول الگوی زنان آمریکای لاتین با اندیشه های مارکسیستی بود یعنی آن ها برای مبارزه با فرانسه خود را شکل فرانسویان کردند و دوم الگوی اسلامی بود.

پس از استقلال الجزایر در حالی که انقلابیون نسخه ای برای فردای آزادی نداشتند وقایعی پدید آمد که استعمار قدیم از در بیرون شد اما با نقاب از پنجره بازگشت یعنی دولتی که جبهه ی آزادی بخش روی کار آورده بود به خاطر از هم پاشیدگی های فرهنگی اقتصادی ناشی از زمان مبارزه باز هم نسخه ی نجات را در تعامل افراطی با دول پیشرفته اروپایی میدید.

هر چند این نبرد که یک میلیون شهید داشت با موفقیت کامل همراه نبود اما دریچه ای برای مشارکت بیشتر زنان در اداره ی الجزایر را باز کرد.

هر چند که همچنان انتشار سم از سفارت خانه ی فرانسه در الجزایر برای ناتوی فرهنگی ادامه دارد که از جمله نمونه های بارز آن باقی ماندن ظاهر اروپایی زنان الجزایری که به خاطر مصلحت آن قیام به وجود آمد می باشد و اعتراضاتی که گه گاه در شهر های الجزایر برای بازگرداندن حایک (چادر سفید زنان الجزایری) زنان به عنوان میراث مادری آن ها انجام می شود.

ظاهر اسلامی مبارزه می کردند اما سهماندیشه های مارکسیستی را در شرکت زنان نمی توان نادیده گرفت. این اندیشه ها در شمال آفریقا و آمریکای لاتین که شوروی صادر کننده ی آن بود رواج داشتند و به خاطر نوعی کور جنسی زنان و مردان را توامان به مبارزه می کشاندند.

استعمارگران فرانسوی با استفاده از حجاب توسط زنان مخالفت می کردند ولی زنان الجزایری آن را سمبل ارزش ها و اعتقادات ملی و دینی خودشان می دانستند و فرانسویان نیز به طور برنامه ریزی شده ای سیاست ضعیف کردن این اعتقادات را پیش می بردند.

در عکس العمل به این فشارهای فرانسویان و نشان دادن دشمنی شان با آن ها، زنان انقلابی الجزایر به دو دسته تقسیم شدند عده ای با ظاهر اروپایی کار مبارزه را ادامه می دانند بیشتر نیز برای انجام اموری از قبیل جاسوسی ولی پس از انقلاب نیز آن ظواهر در میان ایشان از بین نرفت، و عده ی دیگر هر چه بیشتر از حجاب استفاده می کردند.

از جمله دیگر زنان انقلابی الجزایر که نماد مبارزه هستند، میتوان به جمیله بوپاشا از اعضای مهم جبهه آزادی بخش الجزایر اشاره کرد که برای آزادی الجزایر تلاش کرد. وی فرزند عبدالعزیز بن محمد الجزایری است و عضو و چریک مبارز جبهه نجات ملی الجزایر بود که در سال ۱۹۶۰ دستگیر و در فرانسه زندانی و شکنجه شد و با استقلال الجزایر آزاد شد.





حضور مشروط در مشروطه

◀ بهار سعیدی

پس از آن که شاه از مخالفت آیت الله میرزا حسن آشتیانی با قرارداد توتون و تنباکو بر آشفت و سرانجام دستور داد، او را به عراق تبعید کنند. زنان مصمم شدند تا مانع تبعید مجتهدشان شوند؛ از این رو دسته به طرف بازار رفته و هر مغازه ای را که گشوده دیدند بستند، آن گاه با فریاد و فغان، به ارگ سلطنتی روی آوردند. زنان در میدان ارگ داد می زدند و می گفتند: «می خواهند دین ما را ببرند، علمای ما را بیرون کنند، تا فردا عقد ما را فرنگیان ببندند، اموات ما را فرنگیان کفن کنند و دفن کنند، بر جنازه ما فرنگیان نماز بگذارند. همچنین پس از آن که فهمیدند امام جمعه منصوب شاه، مشغول تهدید مردم است؛ به مسجد شاه رفتند و او را از منبر به زیر کشیدند، سپس به میدان ارگ برگشتند، و شعارهای «واشریعتا و اسلاما، یا علی و یا حسین» سر دادند. شاه بار دیگر برای مردان و زنان به خروش آمده پیغام فرستاد و آنان را به آرامش دعوت کرد؛ ولی زنان فریاد می زدند: «ما شاه را نمی خواهیم». در این میان، وزیر دربار را که به زنان گفته بود، «چرا دیگر به خانه های تان نمی روید»، به باد کتک گرفتند. یکی از زیردستان نایب السلطنه که وضع را این گونه دید، به دسته ای از سربازان که به بی پدران معروف بودند، دستور تیراندازی داد، عده ای از مردان و زنان کشته شدند. پس از آن، مردم به دستور علما متفرق شده و روز بعد بازگشتند. این کار تا لغو قرار داد توتون و تنباکو ادامه یافت.

مشروطه، تنها محصول کار مردان نیست، بلکه زنان به صور مختلف در آن شرکت جستند. از همان روزهای آغازین مشروطه، بازتاب دو گرایش فکری دیگر، در فعالیت سیاسی اجتماعی زنان به چشم می خورد: نخست آنکه عده ای از زنان به تأثیر پذیری از اروپایی ها یا اروپازده ها، با افکار فمینیستی به میدان آمدند. عده ای دیگر تحت تأثیر جنبش سوسیالیسم روسیه قرار داشتند، اما تعداد هواداران و میزان فعالیت این دو جریان فکری محدود باقی ماند، و توده زنان مسلمان، همچنان پیشقراول حرکت های سیاسی ضد استبدادی و استعماری این دوره بودند.

مخالفت های ضد دولتی زنان دوره قاجار را می توان به دوره انقلاب مشروطه، پیش و پس از آن تقسیم کرد. در دوره پیش از مشروطه، زنان به انحصار تحت تأثیر علمای دینی و برای پاسداشت ارزش های مذهبی به میدان آمدند؛ از این رو اگر بتوان واکنش های سیاسی اجتماعی زنان در انقلاب مشروطه، به ویژه پس از آن را متأثر از افکار لیبرالیستی غرب و سوسیالیستی شرق دانست؛ ولی به هیچ روی نمی توان حضور سیاسی اجتماعی زنان در این دوره را به اندیشه های غیرملی و غیردینی نسبت داد. به هر روی، زنان در سال های پیش از مشروطه، حضوری چشم گیر و مؤثر داشتند که برجسته ترین آن، فداکاری شان در پیروزی جنبش تنباکو است.



اواخر سلطنت مظفرالدین شاه، دولت مشیرالدوله تصمیم گرفت، برای تأمین برخی مخارج دولتی و کشوری، از دولت روس و انگلیس وامی با سود هفت درصد دریافت کند. این تصمیم با مخالفت مجلس و مردم رو به رو شد، در نتیجه، دولت از اجرای تصمیم خود منحرف شد و مجلس برای اینکه پول کافی برای دولت فراهم کند، تأسیس بانک ملی را به تصویب رساند. زنان در فراهم آوردن پول و تأسیس بانک، فداکارانه شرکت جستند؛ برای مثال روزی در پای منبر سیدجمال واعظ در مسجد میرزاموسی، زنی به پا خواست و چنین گفت: «دولت ایران چرا از خارجه قرض کند؟ مگر ما مرده ایم؟ من یک زن رخت شوی هستم. به سهم خود یک تومان می دهم. دیگر زن ها نیز حاضرند.» هم زمان با آن، زنان دیگر، گوش واره ها و الگوها و گردن بندهای خود را فروختند، و آن را برای تأسیس بانک دادند. این مسئله تنها مختص تهران نبود، بلکه زنان شهرهای دیگر هم در آن مشارکت کردند.

- در دوره استبداد صغیر که درگیری نظامی میان مردم و محمدعلی شاه شدت یافت و برخوردهای مسلحانه سختی روی داد، در موارد ضروری، زنان نقش مستقیم و فعالی داشتند. در این زمینه، نقش زنان تبریز، پرننگ تر و برجسته تر بود. شاه پس از به توپ بستن مجلس و تعطیل کردن آن، عین الدوله را برای تصرف تبریز فرستاد، او شهر را محاصره کرد. در محاصره یازده ماهه تبریز، زنان به پختن غذا، دوختن لباس، بافتن جوراب، پر کردن پوکه، خبررسانی جنگی، پرستاری از مجروحان، جنگ با لباس مردانه در میدان رزم پرداختند. یکی از همین زنان در این باره گفت: «در بحرانی ترین روزهای قیام، مجبور بودیم برای رعایت پنهان کاری، تکه های نان را زیر چادر به سینه و شکم مان ببندیم و به سنگر مجاهدان برسانیم». گفته اند

در پاسخ به سوال هایی از قبیل این که چرا زنان حرمسرای سلطنتی، قلیان ها را شکستند؟ و یا به چه دلیل بعضی زنان درباری، از افکار سید جمال الدین و اقدام میرزارضای کرمانی علیه ناصرالدین شاه حمایت کردند، پاسخ های مختلفی داده شده اما یکی از آنها این است که اغلب زنان شاه را دهقان زادگانی تشکیل می دادند که شاه بیشتر آنان را در گردش و شکار و به صورت تصادفی یافته و به همسری برگزیده بود. اغلب این زنان وضعیت رضایت بخشی نداشته اند؛ به گونه ای که تعداد زیادی از این زنان، تنها چند بار در سال همسر خود را می دیدند، و گاه اتفاق می افتاد که شاه از تولد و مرگ فرزندان این زنان نیز آگاه نمی شد.

از این رو تلاش این دسته زنان را در مخالفت با سلطنت، نمی توان در پرونده زنان مرفه و اشراف قرار داد، آنان بیش آنکه به دربار تعلق داشته باشند، از جامعه دهقانی و روستایی بودند و به همین دلیل، فعالیت ضددولتی آنها را باید بخشی از فعالیت توده زنان مسلمان این مرز و بوم به حساب آورد. در ادامه با توجه به نکات فوق، برخی مهم ترین حرکت های ضد دولتی آنها را نام می بریم:

۱- از برجسته ترین مخالفت های این دسته زنان درباری با اقدامات شاه، طغیان آنها علیه قرارداد رژی بود. در این حادثه، بسیاری زنان درباری به اندازه ای منقلب بودند که تمام غلیان های بلوری، چینی و گلی را شکستند، و همه آثار دخانیات را از عمارت سلطنتی پاک کردند. هم دستی زنان و پافشاری شان، شاه را شگفت زده کرد؛ به طوری که شاه با خشم و غضب می گفت: «زن هایم حاضر بودند، برای خوشی من، جان خود را فدا کنند، اما امروز، حتی از دادن یک سیگار به من مضایقه می کنند».

هنگامی که علاءالدوله (حاکم تهران) برخی بازرگانان متدین و محترم را به بهانه گرانی قند به فلک بست، مردم در اعتراض به ظلمی که به این عده بی گناه شد، مغازه ها را بستند و در مسجد شاه تحصن کردند، علما نیز از این اقدام حمایت کردند. عین الدوله (صدر اعظم) دستور داد تا مردم و علما را متفرق سازند. با ضرب و شتم مردم، وعاظ و هتک حرمت علمای متحصن، آنها به حضرت شاه عبدالعظیم پناه بردند و در آن مکان متحصن شدند. نمایندگانی از سوی علما برای مذاکره درباره تأسیس عدالت خانه، نزد عین الدوله آمدند. او به آنها اجازه بازگشت نداد، در پی آن، مردم بار دیگر شورش کردند و بازار را بستند در همین گیرودار، شاه به میهمانی خانه امیر بهادر (وزیر جنگ) می رفت، دو زن عریضه هایی به شاه دادند. خلاصه آن دو نامه عبارت بود از: «ای کسی که تاج سلطنت را بر سر تو گذارده ایم و عصای سلطنت را به دست تو داده ایم، بترس از وقتی که تاج را از سر تو بگیریم.» زنان به هنگام بازگشت شاه، راه را بر او بستند و برگرد کالسکه او جمع شدند و فریاد می زدند: «ما آقایان و پیشوایان دین را می خواهیم، ما مسلمانیم و حکم آقایان را واجب الاطاعه می دانیم، عقد ما را آقایان بسته اند، خانه های ما را آقایان اجاره می دهند، تمام امور ما در دست آقایان بوده و هست، چطور راضی شویم، علما را نفی بلد و تبعید کنید. ای شاه، وقتی روس و انگلیس با تو طرف شوند، ملت ایران به حکم این آقایان جهاد می کنند.» پس از حوادثی از این دست، شاه به عین الدوله دستور داد، خواسته علما را بپذیرد و آنان را به تهران بازگرداند، و خود نیز، فرمانی برای تأسیس عدالت خانه صادر کرد.

زنان تهران، اصفهان، تبریز، قزوین و چند شهر دیگر، دست به اعتراض زده و حتی با اهدای طلاهای زینتی، ظروف مسی و فرش های خانگی، از انجمن های مردمی ایالات و ولایات خواستند تا آن ها را به فروش برسانند و پول آن را صرف دلجویی و کمک به برادران و خواهران ستم دیده نمایند. زنان در این مرحله نهضت، از مخالفان مشروطه اعلام انزجار کرده، آنان را نامردهای پست فطرت نامیدند و آمادگی خود را برای تحکیم و تثبیت نظام پارلمانی مشروطه ابراز داشتند. آنها همچنین نسبت به عدم اقدام وکلای مجلس و هیأت دولت برای خاتمه دادن به ناامنی های آذربایجان و دفع تجاوز دولت عثمانی به خاک ایران، دست به اعتراض زدند، زیرا ناامنی و تجاوز به خاک ایران را مانع قوام یابی مجلس، به عنوان اصلی ترین نماد مشروطه می دانستند.

زمانی که مجلس شورای ملی توسط محمد علی شاه به توپ بسته شد و مشروطه خواهان قتل عام شدند، تنها زنان جرأت یافتند که نعش مجاهدان را از زمین بردارند و به خاک بسپارند، و زمانی که بازماندگان مشروطه خواه از ترس جان به اختفا رفتند، زنانی چون عمه جهانگیر خان صوراسرافیل که خانه اش محفل آزادی خواهان و سینه اش مخزن اسرار انقلابیون بود، بار دیگر به میدان آمد و با تشکیل مجامع سری و به کارگیری اسلحه هایی که پیش از این مخفی کرده بود، به جنگ با استبداد صغیر رفتند. به هر روی، زنان همدوش مردان در استقرار مشروطه و تحکیم مجلس کوشیدند.

با تلاش مردان و زنان این مرز و بوم و در سال ۱۲۸۵/۱۹۰۶، انقلاب مشروطه به پیروزی رسید و در پی آن، محمدعلی شاه تبعید شد و احمدمیرزا بر جای او نشست؛ ولی انقلاب نوپای مشروطه، هم چنان خود را به حمایت و حضور مردم نیازمند می دید. زنان با درک چنین شرایط و موقعیتی، به شکل دیگری و این بار به معاونت و مساعدت دولت و مجلس آمدند که این حاصل و برآیند قیام عمومی در مسئله گریبایدوف و حادثه تنباکو بود، و علی رغم آنکه از حق انتخاب شدن و انتخاب کردن برخوردار

که ستارخان تحت تأثیر نامه یکی از زنان تبریزی، فرمان حمله به مقر مستبدان شهر تبریز را صادر کرد و در این حمله، حداقل بیست زن کشته شدند. پاولویچ هم در این باره نوشته است: «یکی از سنگرهای تبریز را زنان چادر به سر تبریزی اداره می کردند»



پس از مرگ مظفردالدین شاه، محمد علی شاه که مخالف سرسخت مشروطه بود، روی کار آمد، اما مردم همچنان به حمایت از نهضت نوپای مشروطه ادامه دادند و تدوین و تصویب متمم قانون اساسی را برای رفع کاستی ها و ابهام های قانون اساسی خواستار شدند. زنان نیز با تشکیل دسته های مختلف و ازدحام در برابر ساختمان مجلس شورای ملی خواهان تصویب سریع تر متمم قانون اساسی از سوی نمایندگان شدند. اتحادیه غیبی نسوان، با ارسال نامه ای به روزنامه ندای وطن، از نمایندگان ملت می خواهد که هر چه سریع تر متمم قانون اساسی را تدوین و تصویب کند تا وضع کشور سامان یابد و چنانچه توانایی این کار را ندارند، استعفا دهند و کار مملکت را به زنان بسپارند.

در عوض، محمد علی شاه و هواداران دربار، علاوه بر مخالفت با بسیاری اصول متمم قانون اساسی، به قتل و غارت دست زدند تا ناامنی را از نتایج نهضت مشروطه نشان دهند. قربانیان اصلی این قتل ها و غارت ها زنان و کودکان بودند. در اعتراض به این اقدامات که مخل شکل گیری نظام پارلمانی بود،



نشدند، اما صحنه دفاع از انقلاب مشروطه را ترک نکردند.

در جریان انقلاب مشروطه، زنان هیچ‌گاه خواسته‌های صنفی خود را مطرح نکردند؛ اما پس از پیروزی انقلاب، آنان خواهان آن شدند که تشکل‌های سیاسی آنان از سوی مجلس به رسمیت شناخته شود. نخستین اقدامی که زنان برای رفع موانع موجود بر سر راه فعالیت تشکل‌های سیاسی بانوان انجام دادند، این بود که از مرتضی قلی خان نماینده اصفهان خواستند، این مسئله را در مجلس مطرح کند، و زمینه را به گونه‌ای فراهم آورد تا مجلس مجوز قانونی آن را به تصویب برساند.

از دیگر مطالبات سیاسی زنان، برخورداری از حق رأی بود، ولی با کمال شگفتی، علی‌رغم نقش مؤثری که زنان در انقلاب مشروطه ایفا کردند، ماده چهار نظام‌نامه انتخابات، آنان را در کنار محجورین، صغار، متکدیان و مرتکبین قتل و سرقت قرار داد، و آنها را از حق رأی محروم ساخت. طبق ماده هفت نظام‌نامه، حق انتخاب شدن نیز از ایشان سلب گردید. در سال اصلاح نظام‌نامه در دستور کار نمایندگان مجلس دوم قرار گرفت؛ ولی بار دیگر کمیسیون نظام‌نامه، زنان را از حق انتخاب شدن و انتخاب کردن، محروم ساخت. شهید مدرس، از کمیسیون به دلیل آنکه زنان را در زمره دیوانگان و سفیهان قرار داد، انتقاد کرد، اما به جهت موافقت‌گرایش‌های سیاسی مخالف، با منع زنان در انتخابات، زنان موفق به کسب حق رأی نشدند. یکی از نشریات در اعتراض به این مسئله نوشت: «تا روزی که زنان از حق رأی و ورود به مجلس، حتی برای تماشا کردن محروم‌اند، امید به ترقی در این کشور

نیست».

مجلس دوم در ۱۹۰۹/۱۲۸۸ افتتاح گردید، و بی‌درنگ یکی از کارهای خود را سروسامان دادن امور مالییه کشور قرار داد؛ از این رو، تصمیم گرفت، مستشار خارجی استخدام کند. در همین راستا، مورگان شوستر آمریکایی به ایران دعوت شد، و به عنوان مسئول امور مالییه کشور با اختیارات وسیع، شروع به کار کرد. روس‌ها با حضور شوستر در ایران مخالفت کردند، و در پی آن، ارتش خود را به بندر انزلی فرستادند و تهدید کردند که اگر شوستر از ایران اخراج نشود، ارتش تزاری مستقر در رشت، به سوی قزوین و تهران حرکت خواهد کرد.

به دنبال اولتیماتوم دولت روسیه، فریاد مردم از جمله زنان اصفهان، قزوین، آذربایجان و تهران از هر سو برخاست، و حتی زنان هندی در هم‌دردی با زنان ایرانی، صدای اعتراض خود را بلند کردند. در تهران، حدود پنجاه هزار نفر ضمن اعلام اعتصاب، به خیابان‌ها ریختند و هزاران زن نیز در حالی که می‌گریستند و برخی آنها کفن پوشیده بودند، آمادگی خود را برای جنگ با روسیه و دفاع از کشور اعلام کردند.

(آفاری، همان، ۸۷) بدرالملوک بامداد در این باره نوشته است: «هزاران زن ایرانی در تظاهرات گردآمدند و بعضی آنها بر فراز دیوار یا سکویی رفتند و برای مردم سخن گفتند و بر ضرورت دفاع از انقلاب پای فشردند و از مجلس خواستند که در برابر تهدیدهای خارجی بایستد»





تهران نمی شدند، به گمان آنکه متعلق به روس هاست. تحریم کالاهای خارجی از سوی تشکل های سیاسی از جمله انجمن مخدرات وطن هم توصیه می شد.

جدای از نقش موثر زنان در به ثمر رسیدن مشروطه، می توان گفت انقلاب مشروطه نیز فضای جامعه را به شدت به نفع زنان تغییر داد. با وجود این که پس از این برهه زمانی، رشد سیاسی مردان نسبت به آن دوره فروکش کرد اما فعالیت های زنان در زمینه های گوناگون، خصوصاً در زمینه سیاسی و اجتماعی، تا پیروزی انقلاب اسلامی بیش از پیش ادامه یافت و به تدریج به حضور فعال، جدی و سازمان دهی شده زنان در سطوح کار و مدیریت اجتماعی منجر شد.



زنان حتی پاراز این فراتر گذاردند و در حمایتی آشکار، جماعتی از زنان فقیر به پارک اتابک رفتند، تا به شوستر بگویند، چون اداره خزانه تحت امرش، پول مورد درخواست ارتش را نمی پردازد، دولت و ارتش با وی مخالف اند علی رغم همه این تلاش ها، دولت و مجلس اولتیماتوم روسیه را با اندکی تغییر در مفاد آن پذیرفتند و حتی به پیشنهاد اعضای دولت، مجلس نیز منحل گردید. با بسته شدن مجلس، دیگر دستاوردهای انقلاب مشروطه در معرض سقوط قرار گرفت.

زنان در مخالفت با استعمارگران، بارها به تحریم کالاهای خارجی روی آوردند، و چون اغلب زنان مسئول خرید خانه یا تعیین کننده نوع مصرف منزل اند، تحریم کالا از سوی آنان، به منزله کاهش فروش کالای خارجی در سطح کشور است که این مسئله می توانست زبان های فراوانی بر کشورهای خارجی و اجنبی صادرکننده کالا به ایران بگذارد. زنان با درک این مسئله، بارها به تحریم کالاهای خارجی پرداختند.

از جمله یکی از زنان در راهپیمایی علیه اولتیماتوم روسیه، سخنرانی کرد و در پایان سخنش گفت: «خانم های عزیز! نترسید و جداً بکوشید تا پای اجنبی را از خاک پاک مملکت مان دور سازیم». پس از آن، زنان کوشیدند، مصرف کالاهای روسی و انگلیسی را کاهش دهند و حتی به مغازه هایی که کالاهای خارجی می فروختند، با سنگ و چماق حمله می کردند و نیز، سوار تراموای



و اندر وومن های ایرانی

◀ فاطمه شاملو

زن مثل مرد آزاد برای تعیین سرنوشت است. اینکه در مبارزه شرکت کند یا نه، همه بستگی به تصمیم او دارد و اسلام و انقلاب محدودیتی برای او ندارد و فارغ از نگاه های جنسیتی ارزش دارد. ((شی وارگی)) محصول نظام استثمارگر غربی که هم زن و هم مرد رو مورد سودجویی قرار میدهد. حذف این تقسیم بندی ظالمانه باعث تعالی زن و مرد میشود. امام خمینی(ره) در تبیین جایگاه اجتماعی زن در راستای سازندگی یک نظام ایده آل اسلامی میفرماید: ((در نظام اسلامی زن میتواند مشارکت فعال با مردان در بنای جامعه اسلامی داشته باشد ولی نه به صورت شی نه او حق دارد خود را به چنین حدی تنزل دهد و نه مردان حق دارند که به او چنین ببینند.)) در این زمینه در یک جا سخنان امام فراتر رفته و وارد الزام میشود: ((زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کند.)) همچنین از نظر مقام معظم رهبری زن و مرد از نظر انسانی تفاوتی با هم ندارند و جنسیت در درجه دوم قرار دارد. که اختلافات بین آن ها فقط براساس خصوصیات آفرینشی آنها میباشد. در واقع تفاوت در احکام حقوق، وظیفه ی سیاسی اجتماعی را تحت الشعاع قرار نمی دهد.

براساس نظر رهبران انقلاب، زنان نیمی از جمعیت بشر هستند و نقش این نیم، حساس ترین، ظریف ترین و ماندگارترین و موثرترین نقش ها در حرکت تاریخ انسان و در مسیر بشریت به سوی کمال است. در واقع چون خداوند در طبیعت زن یک گرمایی الهی قرار داده است، او این پتانسیل را دارد هم خود را و هم محیط پیرامون خود را- چه در داخل خانه، چه در هر

انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و یادآوری اسم ها و گروه های که همگی در پیروزی انقلاب اسلامی نقش چشمگیری داشته اند. مسلما همه ی این ها قطب بندی های کلیشه ای و جزیی است، اگر بخواهیم به طور کلی افراد را تقسیم کنیم آن هم از لحاظ جنسیتی، زنان و مردان، تقسیم بندی مناسبی برای حضور در صفوف مبارزه و تلاش جهت پیروزی انقلاب اسلامی است. در این بین سهم زنان اگر بیشتر از مردان نبوده باشد، قطعا کمتر هم نبوده و میشود گفت به نوعی اصلا این حضور زنان بوده که مشوق حضور مردان و مبارزه آنان شده است. اگر نیروی متحرکه ی این حضور را ناشی از منظومه ی فکری امام امت را بداینم بیراه نیست کسی که می گفت: ((ما نهضت خودمان را مدیون زنها میدانیم، مردها به طبع زنها در خیابان ها میریختند، تشویق میکردند زنها مردان را، خودشان در صف های جلو بودند، زن همچون یک موجودی است که میتواند یک قدرت لایزال، یک قدرت شیطانی را بکشد. امروز زن های شیردل طفل خود را به آغوش کشیده و به میدان مسلسل و تانک دژخیمان رژیم می روند. در کدام تاریخ چنین مردانگی و فداکاری از زنان ثبت شده است.))

در واقع از منظر امام زن و مرد به لحاظ حقوقی دارای حقوق یکسانی هستند و

هزاران زنان شگفت‌انگیزی بودند که در پیش‌برد پیروزی انقلاب اسلامی نقش چشمگیری داشتند. این که در دهه‌ی اول شاهد حضور زنان حتی در امور دیپلماتیک (فرستادگان ویژه‌ی امام برای ابلاغ نامه‌ی امام به گورباچف) حضور داشته‌اند اما امروز شاهد بحث و جدل برای حضور یا عدم حضور آنان هستیم نشان‌دهنده‌ی این است که هر جا تفکرات انقلابی اسلامی پر رنگ تر ظاهر شوند در به روی زنان باز تر می‌شود. برای مثال میتوان به دولت دهم اشاره کرد که به گفته‌ی مقام معظم رهبری شعائر انقلابی سال ۵۷ را دوباره در ادبیات سیاسی کشور وارد کرد. نمونه‌ی مورد نظر بحث ما نیز رفت و آمد سه زن به مجلس برای تصدی وزارت است که نهایتاً یکی از ایشان (خانم وحید دستجردی) موفق به اخذ رای اعتماد از مجلس شد و موارد دیگر که ذکر آن از حوصله این بحث خارج است. این جوشش انقلابی یعنی اعتماد به همه‌ی جامعه یعنی زنان در کنار مردان هر چند اگر ساز مخالف‌هایی این گوشه و کنار در حوالی مجلس خودمان نواخته بشود، آن هم توسط کسانی که تیپ روشنفکری و لیبرالی دارند. اما هر جا تفکر درست و انقلابی بر مبنای اسلام نباشد از زن فقط به عنوان ابزاری برای رای جمع کردن استفاده میشود و کرسی‌های وزارت از زنان عاری و صرفاً با حضور سه زن آن هم در پست‌های نه چندان مهم کلید می‌خورد. اما همچنان امیدهایی برای حضور زن در ورزشگاه، حجاب اختیاری، تک‌خوانی و... وجود دارد. تفکر ضد انقلابی این چنین رشد میدهد سطح دغدغه را ولی تفکر انقلابی آن چنین و چه قدر فاصله‌هاست بین این و آن....



محیطی که باشد- به طرف معنویت و پیشرفت و علو مقامات علمی و عملی سوق دهد. همچنین در دیدگاه ایشان، عظمت زن آنجاست که حجب و حیا و عفاف خود را که خداوند در وجودش به ودیعه نهاده حفظ کند و آن را با عزت مؤمنانه بیامیزد. نمونه بارز این زنان انقلابی خانم مرضیه حدیدچی دباغ بودند که علاوه بر مبارزات سیاسی، مادر هشت فرزند هم بودند. ایشان در سال‌های ۴۰-۴۱ فعالیت و مبارزات سیاسی خود را با پخش و توزیع اعلامیه آغاز کردند و با ورود به تشکیلات تحت هدایت شهید سعیدی به اوج خود رسید.



همچنین ایشان به همراه دختر خودشان در سال ۱۳۵۲ توسط ساواک دستگیر میشود و مورد سخت‌ترین شکنجه‌ها قرار میگیرد. همچنین در سال ۱۳۵۳ برای ادامه مبارزات خود به خارج از کشور می‌رود و تا پیروزی انقلاب اسلامی در هجرت و دوری بودند. خانم دباغ در پایگاه‌های نظامی واقع در مرز لبنان و سوریه آموزش‌های رزمی و چریکی را طی کردند و به سبب ماموریت‌ها و همکاری ایشان با گروه روحانیت مبارز خارج از کشور تحت نظر شهید محمد منتظری به کشورهای مختلفی از جمله عربستان، انگلیس، فرانسه و

عراق تردد داشت. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به کشور بازگشتند و در مصدر بسیاری از امور من جمله: فرماندهی سپاه همدان و مسئولیت بسیج خواهران قرار گرفت، و سه دوره نماینده مردم تهران و همدان در مجلس شورای اسلامی بود. علاوه بر آن در دانشگاه علم و صنعت ایران و مدرسه عالی شهید مطهری به تدریس پرداخته است و قائم مقام جمعیت زنان جمهوری اسلامی بوده است. به عبارتی دیگر ایشان فقط یکی از



خیابان پتروگراد

فاطمه عزیز ادنیا

در جنگ شهری، نیمی از لشکریان زنان اند. برد با کسی است که بتواند زنان را به میدان بکشاند.

مزد مردان کارگر بود و آنان در صنایع نساجی و صنعت شیمی با ساعات کار طولانی تر و شرایط تحقیرآمیز تر مجبور به کار بودند. بعلاوه زنان در چنین محیط کاری همواره از مزاحمت های جنسی همکاران و سرکارگران مرد در امان نبودند. حدت ستم بر زنان کارگر روس می رفت که آنان را با خشمی فروخورده به طغیان سوق دهد.

رفقای سوسیالیست تصورشان بر این بود که بیانیه ۲۰ فوریه نیز حاصل همین مشکلات است فلذا با دستور تشکیلاتی خود زنان را به آرامش دعوت کردند و از آنان خواستند تا تحت هیچ عنوان، بیانیه خود را عملی نکنند. اما دیگر برای این حرف ها دیر شده بود. گلوله برفی ۱۹۱۲ حالا به بهمی بزرگ تبدیل شده بود و جز به تخریب به چیز دیگری رضایت نمی داد. رفقای سوسیالیست جرقه های تفکر و عمل رادیکال را از سالهای ۱۹۱۲ در این زنان دمیده بودند و حالا پس از گذشت ۵ سال نمی توانستند از آنها انتظار رفتار عاقلانه داشته باشند.

بلشویک ها بخوبی از توان بالقوه زنان مطلع بودند و سعی داشتند تا به هر شیوه ممکن از مشارکت زنان در جامعه سود ببرند. اصولاً بعد از ۱۹۰۵ کار فرمایان از بخشهای مختلف صنعت، زنان را به کار می گماردند. در سال ۱۹۰۷ یکی از پادوهای مدیریت کارخانه ای علت افزایش اشتغال زنان را تشریح کرد: ((علت این است که زنان با جدیت و وسواس کار می کنند. از مصرف الکل و دخانیات پرهیزی می کنند، سربراه و فرمانبرند و از نقطه نظر حقوق انتظارات عاقلانه دارند.))

صبح روز ۲۰ فوریه در خیابان پتروگراد منطقه وایبورگ بیانیه ای منتشر شد که در طی آن زنان کارگر فراخوان اعتصاب داده بودند و رفقای کارگر خود را به مقابله فرا می خواندند. مثل همه بیانیه های منتشر شده از سوی جامعه زنان این بیانیه نیز جدی گرفته نشد و آن را حاصل فوران احساسات زنانه خواندند.

چرا که در سالهای ابتدایی قرن ۲۰ میلادی درصد زنان کارگر در مجموع از ۲۶.۶ درصد به ۴۳.۲ درصد افزایش یافت. این رقم بازتاب شکل گیری لایه ی جدیدی از کارگران زن در طبقه کارگر شهری بود. در پتروگراد تعداد زنان کارگر شاغل در فابریک ها دو برابر شد و تعداد آنها از ۶۸ هزار نفر به ۱۲۹ هزار نفر افزایش یافت. ۱۰ هزار نفر کارگر زن شاغل در یک کارخانه کمتر از سه سال سابقه ی کار داشتند. تعداد بشمارای از مردان، پسران و برادران این زنان در جبهه ها بودند. زنان بایستی برای دریافت مقدار ناچیز آذوقه ی جیره بندی شده ساعتها در صف می ایستادند و گاهی حتی قوت لایموت هم عایدشان نمی شد و کودکشانشان در کام گرسنگی پرپر می زدند. مزد زنان کارگر نیمی از

خصوصی و زنانه شان از آن ها حرف می زدند. امتیازاتی که از سوی جامعه زنان به عنوان سهمشان از سفره انقلاب مطرح شد بیشتر متأثر از تفکرات رادیکال-فمینیست هایی بود که زندگی محنت باری را تجربه کرده بودند. حق سقط جنین، آزادی همجنس بازها، حق ازدواج خارج از قانون و حق مشروعیت زندگی کودکان خارج از ازدواج از جمله حقوقی بود که زنان پس از انقلاب اکتبر بدست آوردند.

این حقوق که در ابتدای امر برای زنان در نظر گرفته شده بود در حقیقت منجر به فروپاشی بنیان خانواده ها و بهره کشی بیش از پیش مردان از زنانی شد که با دست های خود سند بردگی شان را به امضا رسانده بودند و غریو شادی سر داده بودند.

حقوقی که برای زنان کارگر روسیه تصویب شده بود باعث آمار وحشتناک مادران و دخترانی بود که امید داشتند در سایه این حقوق زندگی بهتری داشته باشند اما در نهایت به وسیله ای برای دستیابی خواسته های هم حزبی هایشان تبدیل شده بودند.

سرنوشت غمبار زنان قرن ۲۰ روسیه از زمانی شروع شد که تصمیم گرفتند روی زنانگی شان پا بگذارند.

اما کار در کارخانه های صنعتی با ساعات کاری بالا با زنانگی زنان مغایرت داشت و بسیاری از زنان طبقه متوسط زیر بار چنین فشاری نمی رفتند. برای حل این معضل باید زنانگی یک زن را از او می گرفتند.

در سال ۱۹۱۴ زنان ۲۵ درصد کارگران صنعتی را در روسیه تشکیل می دادند و گرایش دائمی رادیکالیسم در بین آنان رو به رشد بود. به همین دلیل زنان کارگر بیش از گذشته مورد توجه گروههای سیاسی قرار می گرفتند. فیمینیست های بورژوا؛ بلشویک ها و منشویک ها در این مرحله بیش از پیش هر کدام به سهم خود تلاش می کردند که زنان را سازمان دهند. نشیمن سوسیالیستی زن کارگر در محافل متعدد زنانه مطالعه می شد و گروه هایی از زنان حول این نشریه متشکل می شدند و برخی نیز به تشکیلات حزبی می پیوستند. بسیج سربازان و تمرکز تولید حول نیازهای جنگ به وخامت وحشتناک شرایط زندگی طبقه کارگر منجر گردید. در آوریل ۱۹۱۵ ناآرامی هایی رخ داد و زنان نان را طلب می کردند. شعار نان می خواهیم مطالبه ی اساسی و در برگیرنده نیازهای معیشتی توده های وسیع دهقانان، کارگران روستایی و شهری بود که در اثر جنگ و قحطی به مطالبه ی فوری عموم مبدل شده بود.

پس از انقلاب اکتبر روسیه، زنان به دلیل نقش انکارناشدنی شان در به ثمر رسیدن این انقلاب به امتیازاتی دست یافتند که از سالها پیش در محافل





ارمغان دو انقلاب برای زنان ایرانی

◀ مرضیه انبری

در ابتدای سال ۱۳۴۱ رویداد مهمی سیاست های پهلوی دوم را دچار تغییر و تحول کرد. سرازیر شدن ثروت مضاعف نفتی به بودجه ی کشور و حمایت کامل آمریکا از پادشاه ایران وی را به این فکر فرو برد که اصلاحات جدیدی در قانون و مناسبات سیاسی اجتماعی کشور انجام دهد و البته این موضوع هنگام رحلت آیت الله بروجردی و از بین رفتن مرجعیت عام در ایران مطرح شد و امید شاه را برای ایجاد اصلاحات مورد نظر بیشتر کرد البته این یک تصمیم کاملاً مستقل نبود. پس از پیروزی جان اف کندی در ایالات متحده ی آمریکا وی برای ممانعت از بروز انقلاب های مردمی در کشورها مطیع آمریکا به فکر ایجاد فضای باز سیاسی در این کشورها بود. در مورد ایران دو لایحه بیش از سایر تصمیمات ابعاد اجتماعی داشت اول لایحه ی انجمن های ایالتی ولایتی بود که دو موضوع جدید را در قوانین ایران مطرح می ساخت مسأله ی اول این بود که شرط مسلمان بودن برای انتخاب شوندگان در انتخابات برداشته شود و نمایندگان مجلس شورای ملی مختار باشند بجای قرآن بر هر کتاب آسمانی دیگری سوگند یاد کنند و مسأله ی دوم اعطای حق رای به زنان بود.

پهلوی دوم و خانواده او خصوصاً اشرف پهلوی در این باره معتقد بودند مسیبری که زنان غربی برای حق رای طی ده ها سال مبارزه در موج اول فمینیسم پیمودند یک شبه برای زنان ایرانی مهیا می شود. این لایحه بنا به دلایلی در ایران انجام نشد که مهم ترین آن دلایل مخالفت آیت الله خمینی بود. اما گام دوم انقلاب سفید بود که در چهارچوب فضای باز سیاسی مطرح می شد در بعد اجتماعی این برنامه برابری تام برای زن و مرد پیش بینی می شد. برای مثال قانون اجباری رفتن دختران، قرار بود که این لایحه یعنی انقلاب سفید طی فراندوم عمومی به تصویب برسد اما مخالفت آیت الله خمینی را به همراه داشت. آقای خمینی بر اساس دو مسئله مخالفت خویش را ابراز می داشت مسیله ی اول این بود که فراندوم در قانون آن زمان پیش بینی نشده بود و دیگر موضوع این بود در ممالکی که فراندوم در قانون ایشان وجود دارد طی مدت معین به واسطه ی مطبوعات و رسانه ها در مورد مسأله ی مورد بحث شفاف سازی انجام می شود و مادامی که اطلاعات دقیق درباره ی مسأله نباشد اکثریت مردم فاقد صلاحیت رای دادن در این مورد هستند و نهایتاً ایشان فراندوم مورد نظر شاه را فرمایشی جهت تسریع اجابت درخواست آمریکا می دانستند و در نهایت فتوا به تحریم انتخابات دادند اما بالاخره فراندوم با حضور جمعی از مردم انجام شد که تاثیرات

آیت این مدعی به صورت کمی و کیفی در سال های بعد از استقرار نظام اسلامی در رشد شرایط اشتغال، آموزش، بهداشت و ... برای زنان قابل مشاهده می باشد. در واقع چه در عصر پهلوی چه در دوران پس انقلاب اسلامی تلاش ها در جهت استیفای حقوق زنان انجام شد که این یک موضوع تفاوت دوران پیش و پس از انقلاب اسلامی را مشخص می کند و آن در دو مسئله ی بافت فرهنگی و زیر ساخت های خدماتی دولت ها می باشد. پهلوی دوم مثل پهلوی پدر به بافت فرهنگی مردم ایران که ملت شیعه بودند توجه نداشت و بجای اصلاح امور کشور در چهار چوب دین به دنبال تحمیل الگوی مدرن به مردم بود؛ و مسئله ی دوم این بود که حتی اگر حقوق زنان احقاق می شد زنان پتانسیل استفاده از آن را نداشتند مثلا بجز پایتخت و شهرهایی که اعمارگران نفتی در آن حضور داشتند مثل خرمشهر و آبادان سایر نقاط ایران زنان از آموزش بی بهره بودند.

بنابراین میتوان الگوی ایده آل آیت الله خمینی را بدین نحو ترسیم کرد. ابتدا تشکیل حکومت اسلامی سپس استیفای حقوق آحاد مردم جامعه چنانچه می بینید در ورود به دهه ی پنجم انقلاب اسلامی زنان ایرانی که حدود چهار سال قبل سر و وضع برخی از آنان از زنان اروپایی بهتر بود ولی از دانش و سیاست تهی و آمال ایشان حضور در فیلم های سینمایی و پوستر های تبلیغاتی با حالت نیمه برهنه و نمایش های جنسی در سینما و تلویزیون بود تا جایی که در جرید از راهکار های بهتر خودنمایی در لاله زار می نوشتند امروز جایگاه ایشان بروز و ظهور در عرصه های علمی، سیاسی، ورزشی است. نظریه ی اجتهادی آیت الله خمینی که قرار بود در قالب تحجر به مردم معرفی شود در فردای اطمینان از حکومت اسلام حضور و ظهور زنان در عرصه های مشارکت سیاسی و اجتماعی را واجب عینی عنوان کرد و ایجاد هر چه سریع تر زیر ساخت های لازم در سال های ساختن دوباره ی کشور را واجب و لازمه ی پیشرفت جامعه دانست چنانچه پیش تر به نص صریح قانون در این باره اشاره کردیم.



شگرفی در سراسر ایران ایجاد نکرد. آیت الله خمینی در پاره ای از سخنان خود که مربوط به آن عصر می باشد گفته بود مسئله ی آزادی مرد و زن با لفظ درست نمی شود. اصلاحات دست و پا شکسته ی شاه، عمر سلطنت وی را برای حدود ۱۶ سال افزایش داد. اما جامعه ی دهه ی چهل و پنجاه ایران از اقدامات شاه استقبال به عمل نمی آوردند مردم ایران با یادآوری مرداد ۳۲ و کودتای آمریکایی و سرنوشت غم انگیز دولت ملی مصدق ایمان کامل داشتند که تئوری خمینی کاملا درست است و شاه نقش غلام خانه زاد کاخ سفید را ایفا می کند و کاخ سفید به دنبال حذف تمام مظاهر اسلامی است و در نهایت به دنبال یک خیزش اسلامی دو سویه به رهبری خمینی بودند.

در سال ۱۳۵۷ و هنگامه ی استقرار جمهوری اسلامی ایران آن حرکت اسلامی دو امتیاز را برای مردم ایران به ارمغان آورد. اول استقرار کلام الله و دوم رسیدن به حقوق اجتماعی سیاسی بود. اما درباره ی این چرخش آیت الله خمینی چگونه می توان توجیهی ارائه داد؟ وی در دهه ی چهل با حق رای زنان، با راندگی زنان با نماینده مجلس شدن زنان، با دادگاه های خانواده برای حمایت از زنان مخالف بود اما پله پله تمام این موارد در حکومتی که به خاطر آن سال ها تبعید را تحمل کرده بود پدید آمد. برای درک بهتر موضوع به راویان تاریخ معاصر مراجعه می نمایم.

مرحوم هاشمی رفسنجانی بخشی از خاطرات خود را در ۱۹ بهمن ۱۳۸۱ در روزنامه ی جام جم منتشر کرد بریده ی خاطرات او بدین نحو است: ((در سال ۵۷ برخی مرا به عنوان نماینده نزد امام فرستادند و درخواست کردند ایشان مطابق نظر سال ۴۱ خود با رای دادن و انتخاب شدن زنان مخالف باشد اما امام در پاسخ گفت به آن ها بگویم این خلاف شرع است در زمان شاه تمام امور مجلس را حرام می دانستم نه این که با این مسئله که در مورد زنان است مخالف باشم و اشکالی داشته باشد)) بعد تر در تدوین قانون اساسی جدید نیز در مقدمه ی قانون اساسی جمهوری اسلامی این مسئله خاطر نشان شده است: ((نیرو های انسانی که تا کنون در خدمت استثمار همه جانبه ی خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که از نظام طاغوتی متحمل شده اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود))

معرفی کتاب

◀ مرضیه انیری

((شکنجه ها با سیلی و توهین و به تدریج با شلاق و باتوم و فحاشی جان فرسا شروع شد. چند بار دست و پایم را به صندلی بستند و مهار کردند و کلاهی آهنی یا مسی بر سرم گذاشته و بعد جریان الکتریسیته با ولتاژهای متفاوت به بدنم وارد می کردند که موجب رعشه و تکان های تند پیکرم می شد.

شلاق و باتوم، کار متداول و هر روز بود که گاهی به شکل عادی و گاهی حرفه ای صورت می گرفت. در مواقع حرفه ای آنقدر شلاق بر کف پاهایم می زدند که از هوش می رفتم. بعد با پاشیدن آب هوشیارم کرده مجبور می کردند تا راه بروم که پاهایم ورم نکنند. دردی که بر وجودم در اثر این کار مستولی می شد، طاقت فرسا و جانکاه بود.))

سطور بالا بخش های از کتاب خاطرات مرضیه حدیدچی دباغ بود که توسط محسن کاظمی تدوین شده و از انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده است. دباغ مادر ۸ فرزند و جزء زنان چریک در سالهای مبارزه با رژیم شاه است و ی علاوه بر مبارزه در ایران در کشورهای سوریه و لبنان نیز آموزش های نظامی دیده است، وی که ناچاراً مجبور به ترک کشور شد، در نوفل لوشاتو محافظ شخصی امام خمینی بود و پس از بازگشت به ایران در استان های همدان و کردستان فرماندهی سپاه را به عهده داشت و جزء هیئت دیپلماتیک ویژه ی امام برای ملاقات با گورباچف بود.

در این کتاب خاطرات تمام این مراحل مفصلاً بازگو شده است و در ادامه قسمت های دیگری از خاطرات وی را که مربوط به زندان های ساواک است بازگو می کنیم.

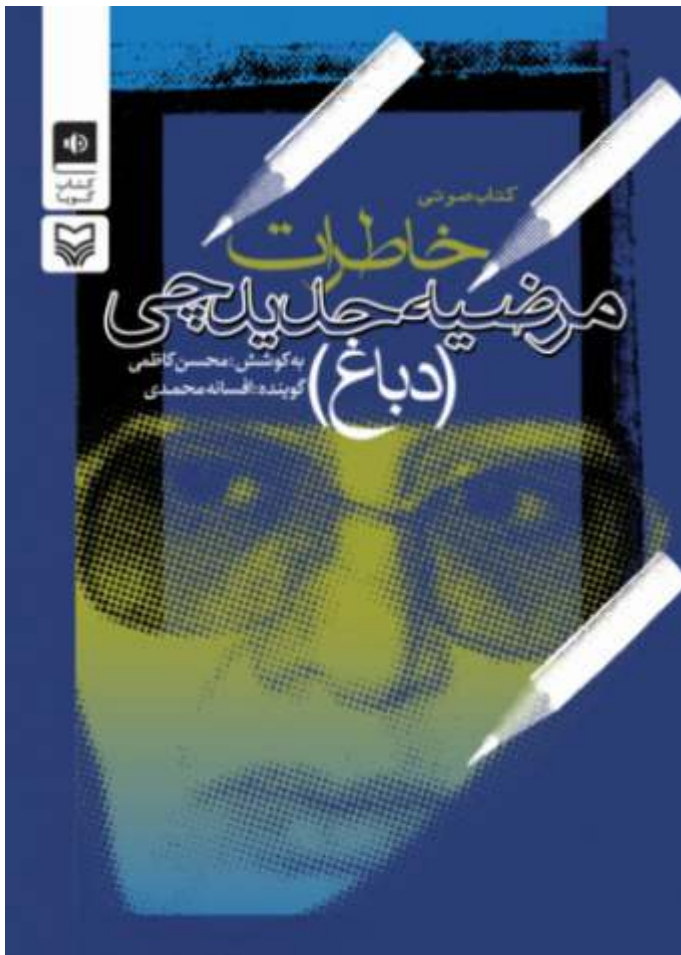
((یک بار، مرا بر روی تختی خواباندند و دست ها و پاهایم را از طرفین بستند، وقتی شکنجه گر وارد اتاق شد، سیگار روشنی بر لب داشت، بلافاصله آن را روی دستم خاموش کرد و همراه با ضجه و ناله من به مسخره گفت: «آخ! سیگارم خاموش شد!» و دوباره سیگار دیگری روشن کرد، این بار آن را بر روی جاهای حساس بدنم خاموش کرد که از تمام

سلول هایم درد برخواست. اندکی بعد نیز تمام بدنم عفونت کرده بود و بوی تعفن می داد.

دخترم سرودها و اشعاری را که از رادیو عراق پخش می شد با دوستانش جمع آوری کرده و در دفترچه اش نوشتند. این دفترچه بهانه دستگیریش شده بود. می خواستند به من فشار بیاورند اما زهی خیال باطل! هر چند که با دیدن شکنجه دادن دخترم برای او آرزوی شهادت می کردم.

مأموران به بهانه جلوگیری از خودکشی و حلق آویز شدن، چادر از سرمان گرفتند. برایم خیلی روشن بود که انگیزه و هدف واقعی آنها از این کار، دیدن حجاب نماد زن مومن و مسلمان و شکستن روحیه ما بود، از این رو ما نیز از پتوهای سربازی که در اختیارمان بود برای پوشش و به جای چادر استفاده می کردیم. عمل ما در آن تابستان گرم برای مأموران خیلی تعجب آور بود، آنها به استهزا و مسخره ما را «مادر پتویی! دختر پتویی!» صدا می کردند.

یکی گفت: «کجاست آن خمینی که بیاید و شما را با پتوی روی سرتان نجات دهد و...»





گیوتون فمینیسم در دانشگاه الزهرا ◀ ز. مهاجر

در اسلام رشته‌ی مطالعات زنان در ایران بوده است. گرایش‌یی که این روزها باسطحی نگری و مقابله‌ایی زیرکانه توسط جریان مقابل نگاه اسلامی به زن در دانشگاه‌های ما روبه انحلال است و شاهد این مساله حذف این گرایش از گروه مطالعات زنان دانشگاه الزهرا (س) به عنوان بزرگترین دانشگاه جامع دخترانه‌ی ایران است.

مقابله‌ی با این گرایش و حذف آن یعنی حذف آگاهی از جامعه‌ی زنان کشور و مقابله با روندی که نتیجه‌اش تربیت متخصصان حقوقی در حوزه‌ی زنان بوده است.

شاید این روزها تیغ گیوتین جریان فمینیستی در ایران گردن گرایش حقوق زن در اسلام را نشانده‌رفته باشد اما فراموش نکنید که این سلاخی در واقع گرفتن تربیون احقاق حقوق از زنان ایرانی است.

olympedegouges :

Women have the right to mount the scaffold; they should likewise have the right to mount the rostrum.

به زن این حق داده شده که از پله‌های گیوتین بالا برود، پس به همین دلیل او حق دارد که از پله‌های تربیون بالا برود.

المپ دو گوژ

در اواسط قرن ۲۱ خبری از گیوتین‌های انقلاب فرانسه نیست، خبری از اعدام زنان تساوی طلب هم نیست چرا که ما متمدن شده ایم، اما من جماعتی رامی‌شناسم که به اسم آزادی و حقوق زنان، زنان این مرز و بوم را به مسلخ می‌برند، حقوقشان را پایمال می‌کنند و مستانه پایکوبی می‌کنند که مامدافع حقوق زنان هستیم.

جماعتی فرنگ رفته، تحصیلی کرده، منورالفکر، خوش پوش، خوش چهره و موجه در مجامع آکادمیک این کشور...

جماعتی که با هر آنچه رنگ دین داشته باشد زیرکانه مقابله می‌کنند در حالیکه فراموش کرده‌اند این مقابله اگر در بستر مکانی و زمانی صحیحی نباشد، قطعاً به ضرر افراد آن جامعه خواهد بود...

در جامعه‌ای که حقوق مدنی افراد بر پایه‌ی موازین شرعی از جمله فقه امامیه به تحریر درآمده است قطعاً احقاق حقوق زنان نیز نیاز به آگاهی افراد از ابزارهای اصولی و شیوه‌های استنباطی در این حوزه دارد، شاید بتوان گفت این اصلی‌ترین هدف از بنیان گذاری گرایش حقوق زن

زنان در انقلاب اسلامی...





رهبر انقلاب : خوشبختانه زنان جامعه‌ی ما حقاً و انصافاً نه فقط در انقلاب ما، بلکه از گذشته در میدانهای گوناگون و در همه‌ی قضایا جزو پیشروان بودند. قبل از شروع مبارزات تند مشروطیت، زنها در میدان بودند. آن وقتی که هنوز همه وارد نشده بودند و در واقع فقط یک عده‌ای از علما و خواص دنبال این قضایا بودند، زنها بلند شدند، یک اجتماعی تشکیل دادند، آمدند اینجا سر راه حاکم و زمامدار وقت را گرفتند، او از دست اینها فرار کرد، رفت در کاخ مخفی شد! رفتند آن طرف، فراش‌باشی‌های دستگاه حکومت، اینها را کتک زدند. آن زمان با چادر و چاقچور وارد میدان شده بودند. اکثر قریب به همه‌ی شماها چاقچور را ندیده‌اید. چادر و چاقچور و روبند، نوع بسته‌ی حجاب اسلامی - ایرانی بود. با آن حالت، اینها وارد این میدان شدند. حالا یک عده‌ای خیال میکنند زن تا وقتی که بی حجاب نباشد، بی اخلاق نباشد، نمیتواند در میدانهای گوناگون اجتماعی و سیاسی وارد شود. در همین انقلاب خود ما، در بعضی از نقاط کشور، زنها زودتر از مردها اجتماع راه انداختند، در خیابانها حرکت راه انداختند و مقابله کردند؛ که ما اطلاع قطعی داریم. در دوران انقلاب همین جور، در مبارزات گوناگون بعد از پیروزی انقلاب همین جور، در جنگ تحمیلی همین جور. / ۲۳/۲/۱۳۹۱



@havvamag